

متن پرسش

نظر شما درباره این یادداشت چیست؟ نکته‌ای ویژه از انسان‌شناسی قرآنی علامه طباطبایی برای روان‌شناسی و اخلاق تفسیر علامه طباطبایی از یک ویژگی انسان در سوره معارج، برخلاف نظر دیگر مفسران، با اعتقاد به خلقت احسن سازگارتر است و امکان مثبت‌نگری روانشناسان و فیلسوفان اخلاق نسبت به ساختار خلقت انسان را فراهم می‌کند. در سوره معارج گفته شده که «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً». علامه طباطبایی می‌گوید: «هلع و حرص از فروغ حب ذات است و به خودی خود از رذائل اخلاقی نیست و تنها وسیله کمال‌طلبی و "حب خیر شدید" است. استاد جوادی آملی در تفسیر سوره معارج دیدگاه خود که بین فطرت و طبیعت تفکیک می‌کند، را تکرار کرده و می‌گوید هلع بودن انسان در طبیعت انسان است نه فطرت او. این صفت و لوازم آن بر اثر سوء یا فقدان تربیت پدید می‌آید. مزیت تبیین علامه طباطبایی این است که می‌گوید مصلین هلع را از بین نمی‌برند بلکه به همان صورت کمال و فضیلت اصلی باقی می‌گذارند. این نوع انسان‌شناسی این سوال را بهتر پاسخ می‌دهد که چرا خداوند امیالی در وجود انسان قرار داد که باید محدود شوند؟ اگر قوای انسانی به کمال خود هدایت شوند نیازی به محدود کردن آنها نیست. با این نوع نگرش به انسان است که رفتار با افراد بزهکار تغییر می‌کند یعنی به جای طرد و مجازات غیرتنبیهی، برنامه تعدیل و به اعتدال آوردن قوای آنها اجرا می‌شود. مطالعه یادداشت کامل

<https://farsnews.ir/rezakarimi۱۰۰۱/۱۷۶۳۱۳۳۷۱۶۶۹۳۳۶۲۹۲۴>

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر می‌آید هر دو مطلب قابل جمع باشد از آن جهت که هیچ میلی در انسان بی‌حساب و بی‌دلیل نیست. آن‌گاه که آن میل‌ها در جای خود قرار گیرند و انسان در صفتی مانند «هلع» بخواهد خود را در انسانیت وسعت دهد و از پای ننشیند، آن صفت ارزشمند می‌شود. ولی اگر در بستر انسانیت، خود را ادامه ندهد و گرفتار وهمیات بشود همان حرص او را از پای در می‌آورد. موفق باشید